



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

لأله^۱ در فولکلور قوم ترکمن

دکتر علیرضا قبادی^۲

چکیده

در این مقاله فولکلور قوم ترکمن و به‌ویژه لأله‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. لأله‌ها سروده‌های زیبایی شناختی و معنی داری از احساسات دختران و نوجوانان ترکمن هستند که در دو سطح فردگرایانه و جمع‌گرایانه می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند. در سطح فردگرایانه لأله‌ها بیانگر احساس فردی از شرایط زندگی اجتماعی حاکم بر محیط پیرامون اوست و به لحاظ جمعی بیانگر نوع نگرش افراد به نظام ارزشی و هنجاری حاکم بر محیط اجتماعی. این پژوهش با استفاده از نظریه تفسیر فرهنگ کلیفورد گیرتز و با به‌کارگیری روش اتنوگرافی به دنبال تبیین و تفسیر مطالب یاد شده است.

واژگان کلیدی: فولکلور، لأله، تفسیر، تکنیک دو وجهی، حوزه عمومی

۱. در لهجه محلی lále خوانده می‌شود

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، a-ghobadi@basu.ac.ir

مقدمه

مطالعه رفتار اجتماعی محتاج در نظر گرفتن دو مفهوم مکان و زمان مشخص اجتماعی است. با چنین انتخابی پژوهشگر می‌تواند موضوع خاص مورد مطالعه خود را سامان دهد. در این نگارش ما بر آنیم تا از زاویه انسان‌شناسی ادبیات شفاهی به چگونگی پدیده‌های فرهنگی (در اینجا لاله‌ها) و معانی به‌وجود آمده از آنها بپردازیم و بعد از چنین پرداختی به معنی‌یابی رفتارهای اجتماعی جامعه مورد نظر دست یابیم. بنابراین، در این پژوهش موضوع مطالعه ما لاله‌ها در فولکلور قوم ترکمن است و نمونه موضوعی مورد مطالعه، ساکنان بندر ترکمن هستند.

الف - بیان مسئله

فولکلور به عنوان نمادی اجتماعی گویای مسائل، نیازها، خواسته‌ها و انتظارات اجتماعی است که متاسفانه تاکنون به‌درستی به آن پرداخته نشده است. جمع‌آوری فولکلور اقوام نیازمند روش‌شناسی دقیق به همراه دخالت توأم با مشارکت پژوهشگر در مسئله است تا بدین وسیله بار معنایی فولکلور به دست آید. بنابراین شناخت علمی فولکلور ایران زمین ضروری است. مطالعه حاضر درصدد آن است که این شناخت، در قومی خاص^۱ و با روش‌شناسی جدیدی صورت گیرد تا داده‌های آن در تاریخ فرهنگ ما ماندگار شود.

لاله‌های قدیمی که هم در زمان گذشته و هم در زمان حال در حوزه فولکلور اهالی بندر ترکمن وجود داشته و دارد مورد توجه این پژوهش است.

۱. در این مقاله جامعه مورد نظر ما قوم ترکمن (جعفربای) ساکن در بندر ترکمن هستند که نسبت به این بخش از فولکلور اشتراکی اجتماعی دارند.

ب - ضرورت و اهمیت

فولکلور از جمله عناصر بسیار دقیقی است که می‌تواند در بازنمایی و تفسیر معنای سایر پدیده‌های فرهنگی موجود، پژوهشگر را یاری دهد. این در حالی است که پیش از این، حداقل در مطالعات مربوط به فولکلور به نحو مقتضی به ابعاد کاربردی و گوناگون آن در ایران زمین توجه نشده بود.

در مطالعات فرهنگی گذشته ایران، فولکلور امری آنی و ایستا تصور می‌شد. بنابراین توانایی به دوش کشیدن مفاهیم و معانی اجتماعی زمان خاص خود را نداشت. این در حالی است که تغییرات اجتماعی موجود در جامعه بسیار پر شتاب است و به تبع آن از فولکلور معانی بسیار فراهم می‌آید. اگر چنین به فولکلور نگاه کنیم، باید بر این باور باشیم که فولکلور نه تنها ایستا نیست که پویاست و در عین حال متوجه وقایع زمان خود نیز می‌باشد. لذا نگاه گفتمانی، این قضیه را از سویی مهم جلوه می‌دهد و از سوی دیگر راه را برای فهم و فرآیند معنی‌یابی این پدیده فرهنگی دو چندان می‌سازد.^۱

معنای این سخن این است که محتوا و معانی نهان فرهنگ با گونه‌های مختلف ارائه می‌شود. این گونه‌ها، صور گوناگون یک محتواست که فرهنگ نام دارد. از سوی دیگر، قالب‌های اساسی فرهنگ (در این تحقیق فولکلور) می‌توانند و می‌بایست یکسان باشند، تا هویت فرهنگی حفظ و حراست شود، لیک، در درون این قالب‌ها معانی جدید منطبق با مسائل و نیازهای زمانی جامعه جای می‌گیرند. اکنون باید گفت راه حل این موضوع آن است که اندیشه گفتمانی را به‌رورانییم و در این اندیشه نگره را با نگره‌ها عوض کنیم و برای دستیابی به فهم بیشتر، راه‌های جدیدی را پیش روی خود بگشاییم. بدین ترتیب همان قالب سنتی زیبایی شناختی گذشته در گفتمان‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نمایان و سپس تفسیر می‌شود.

بنابراین با استفاده از دیدگاه‌های گیرتز در تفسیر فرهنگ می‌خواهیم پا را فراتر از توصیف انسان‌شناختی بگذاریم و به معنی‌شناسی و معنی‌سازی فولکلور نظر افکنیم.

۱. برای مطالعه بیشتر به منابعی چون (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱ اعظمی راد، ۱۳۸۲- بدخشان، ۱۳۷۹) مراجعه شود.

بدین ترتیب می‌توان با توجه کردن به ابعاد معنایی فولکلور پا را فراتر از شناخت مفاهیم عینی و ظاهری آن گذاشت.

پ - فولکلور چیست؟

فولکلور هم نگاهی ادبیاتی هم نگاهی انسان‌شناسانه و هم توجهی به مطالعات فرهنگی دارد (Tristram 2000:3). به هر حال در اینجا آن معنایی از فولکلور مورد نظر است که فصل مشترک مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی است.

بنابراین باید گفت: فولکلور و زندگی عامه، در برگیرنده هنرهای سنتی، اعتقادات، اوقات فراغت، جشن‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های مادی در حوزه تمدن و در حوزه اصلی فرهنگ است. در واقع هر گروهی با توجه به علایق و اهداف خاص خود این عناصر را به صورت غیر رسمی از نسل کنونی و گذشته فرامی‌گیرد و فضای اجتماعی خود را شکل می‌دهد. در این فضای سنتی به معنای عام، افراد هر گروه می‌توانند فولکلور یعنی فرهنگ عامه خاص خود را به وجود آورند. در چنین سنت‌هایی عوامل فردی و عمومی بسیاری وجود دارند که بر مبنای همان خواص فردی و عمومی تکرار می‌شوند، تغییر می‌یابند و مدل‌های خاص گروه را ایجاد می‌کنند و سپس آنها را به عنوان ارزش در حیات تجربه شده خود وارد می‌سازند و دائماً آنها را تکرار می‌کنند. این اشکال سنتی، دانش زیست شده‌ای را برای گروه ایجاد می‌نمایند که در تماس‌های فرد به فرد و چهره به چهره تکرار می‌شوند و به مثال‌های تجربه شده‌ای تبدیل می‌گردند که مملو از رهیافت‌های شکل‌دهنده کنش‌های اجتماعی و فرهنگی است.

در تمامی موارد، فولکلور و زندگی عامیانه بر مبنای متونی تنظیم می‌شود که به صورت اشتراکی از سوی اعضای گروه تولید و تکرار می‌گردد. با چنین تغییر و تکراری گروه بر مبنای زمان و مکان اجتماعی، معنی اجتماعی مورد نظر خود را از طریق این مفاهیم تولید و ابلاغ می‌کند.

نظریه پژوهش

گیرتز از جمله فرهنگ شناسانی است که مطالعات خود را در دانشگاه پرینستون ادامه داد و تجربیات نظری خود را از متفکران گوناگونی به دست آورد. او شاگرد تالکوت پارسونز بود و علاوه بر این که به نظریه پردازی پرداخته، کارهای تجربی متعددی نیز در جوامع مختلف به انجام رسانده است. مهم ترین کار گیرتز که به دور از مسائل مورد نظر استروس و بعد از او ترنر است، تفسیر فرهنگ‌ها^۱ نام دارد که عرصه جدیدی در مطالعه پدیده فرهنگی نسبت به گذشتگان خود به وجود آورده است. او معتقد است که فرهنگ مجموعه‌ای از نظام مفاهیمی است که به همراه نمادها مطرح می‌شود و به عاملی تبدیل می‌گردد که انسان‌ها می‌توانند با یکدیگر ارتباطات لازم را برقرار کنند (Geertz, 1993:72). می‌توان گفت از نظر گیرتز فرهنگ‌ها به دلیل داشتن نمادهای گوناگون، ذهن انسان را برای شناخت لازم توأم با معنای فرهنگ جهت می‌دهند. او معتقد است فرهنگ مفهومی معنایی‌ای است و مانند وبر معتقد است انسان درون تار و پودهای معنایی‌ای اسیر شده است که خود آن را ساخته و پرداخته است. او این تار و پود معنادار را فرهنگ می‌نامد و معتقد است که منظور از شناخت فرهنگ تنها آگاهی یافتن از قواعد و قوانین آن نیست بلکه دستیابی به معانی تولید شده آن است. او به قواعد فرهنگ اشراف دارد و به ثبات نسبی آن نیز معتقد است اما فراتر از قواعد ثقلی فرهنگ به ثبات قواعد تفسیر معنایی نیز می‌پردازد و در سر اندیشه توضیح پدیده‌ای ثابت ولی چند معنایی را می‌پروراند؛ درست برخلاف استروس که مفهوم فرهنگی را در قالب معنایی خاص در جامعه‌ای معین تعقیب می‌کند. گیرتز معتقد است که تفسیر فرهنگ به محقق این امکان را می‌دهد که از ساختارگرایی عبور کند و تحلیل معانی و نمادهای چهارچوبه فرهنگی را از دیدگاه بومیان مورد نظر قرار دهد. در واقع رویکرد او در معناشناسی مانند ترنر در نقطه شروع با تفکرات امیک^۲ آغاز می‌شود. با

1. interpretation of cultures

۲. رویکرد داخلی یا درونی Emic: در این نگاه پژوهشگر هنگام روبروشدن با پدیده فرهنگی به معنی یابی و معنی سازی از نگاه مردم بومی می‌پردازد. این رویکرد در به کارگیری تکنیک مشاهده مشارکتی امری ضروری است.

این تفاوت که ترنر در جامعه سنتی با این رویکرد فرهنگ را مطالعه می‌کرد اما گیرتز با در جامعه جدید نیز گذاشته است تا به عرصه معنی‌شناسی جدید نیز وارد شود. گیرتز در این نگرش واقعیت مورد مشاهده فرهنگی را همچون یک متن تفسیر می‌کند. در واقع محقق به دنبال درک فرهنگ و توضیح آن است. این توضیح تفسیری، فرایندی است که در آن لایه‌ای از فرهنگ مبدا مورد نظر است که سپس به سوی فرهنگ مقصد هدایت می‌شود. بنابراین محقق در این مرحله چیزی برای اثبات کردن از خود نشان نمی‌دهد بلکه او به دنبال دست‌یابی به معانی تولید شده از سوی کنش‌گری است که در عرصه فرهنگ به آن می‌پردازد. در واقع شناخت کیفی مورد نظر گیرتز، تنها قابلیت بهره‌برداری در جامعه محدود مورد نظر او را دارد که تابعیتی دقیق از مفهوم پارسونزی زمان و مکان اجتماعی را دارا است.

در واقع باید دانست که روش گیرتز برای مطالعه فرهنگ متوجه استعاره‌های فرهنگی به عنوان متن است و همین متن می‌بایستی به وسیله محقق تفسیر شود. در واقع تفسیر فرهنگ نوعی تلاش برای دست‌یابی به معانی گوناگون تولید شده فرهنگی از سوی صاحبان آن است. گیرتز به روشنی به این قضیه اشاره دارد که برای امر فرهنگی، معانی مرکبی (Spilman, 2002: 65) می‌تواند موجود باشد. برای همین است که گیرتز معتقد است فرهنگ مجموعه‌ای از یافته‌هاست. یافته‌هایی که نظام اجتماعی در قالب‌های مختلف ولی با قواعد یکسان آن را تولید می‌کند تا معانی مختلف را متبلور سازد. لذا به نظر گیرتز فرهنگ، نظامی منظم از معانی و نمادهاست که بر مبنای آن کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

باید دانست تأکید گیرتز بر شناخت معانی است تا دریافت قواعد، هر چند او به هیچ عنوان به وجود و حضور قواعد بی‌توجهی نمی‌کند بلکه پیشنهاد او توجه عمیق‌تر و دقیق‌تر به معانی فرهنگ است (Edles, 2002: 182). ما نیز در این پژوهش موضوع مورد مطالعه خود را دقیقاً با همین طرح گیرتز انطباق داده‌ایم. یعنی به دنبال معنی‌یابی عناصر فولکلور و به‌طور خاص در این مقاله ترانه‌های عروسی هستیم.

روش پژوهش

در این پژوهش کیفی از دو تکنیک مشاهده و مصاحبه ساختاری و غیرساختاری استفاده شده است مصاحبه و مشاهده غیرساختاری مخصوص اطلاع‌رسان‌های عامی و کم سواد بوده است. این گروه از میان کسانی برگزیده شده‌اند که بیشترین اطلاعات را در زمینه پدیده^۱ فولکلور مورد نظر دارا بوده‌اند و ۸۷ خانواده اعم از ۴۳۵ نفر زن و مرد را شامل می‌شد که به نسبت از قوه کلامی مناسبی برای توضیح مفاهیم برخوردار بودند. مصاحبه‌ها و مشاهده‌های ساختاری نیز با پرسش‌ها و موضوعات یکسان و همگن، افراد را مورد پرسش قرار می‌دادند (Finnegan, 1992:22). کسانی که در این مرحله مورد پژوهش قرار می‌گرفتند، عبارت بودند از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و همچنین افراد عادی دارای اطلاعات مناسب. این دو روش در قالب روش‌شناسی گیرتز به کار گرفته شد و به غیر از توصیف انسان شناختی به دنبال آن بود تا بتواند نکات رمزی و مفهومی فولکلور و به طور مشخص عنصر مورد مطالعه ما یعنی لأله‌ها را تبیین کند. بنابراین، این روش‌های دو وجهی (ساختاری و غیر ساختاری) برای انتقال توصیف مفاهیم به عرصه معنی‌یابی و معنی‌شناسی به کار برده می‌شود و با توجه به نگره امیک و اتیک به دنبال آن است تا بتواند در گام نخست، مفاهیم را توصیف کند و پس، تفسیر و معنی‌شناسی را سرلوحه کار خود قرار دهد. بنابراین وجود کنشگرهای عامی و متخصص ابزار مهم جمع‌آوری اطلاعات بوده است که به صورت ساختاری و غیر ساختاری وظایف خود را انجام داده‌اند.

لأله^۲

لأله‌ها ترانه‌های دختران و نوجوانان قوم ترکمن است که به وسیله آن، نسبت به وضعیت فرهنگی - اجتماعی خود در شکل‌دهی به محورهای زندگی مشترک خویش

1. phenomenon
2. lále

انتقادهای و گاهی دلتنگی هایی را از خود ابراز می‌دارند. لاله، نام کنشگر فرهنگی - اجتماعی دختران با خاطرات سخت گیری‌های قبیله‌ای و قومی خویش است. تلخی این خاطرات برخاسته از به وجود آمدن مکانی دور برای زندگی، فراغ از یاران و دوستان و دور افتادن از ایل خود است. بدین ترتیب لاله‌ها نه تنها از آن نوعروسان ترکمن هستند بلکه درد دل دختران ترکمن صحرا نیز می‌باشند و از این دید می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:



دنمایی از مراسم عروسی در میان قوم ترکمن

لاله‌های نو عروسان

این لاله‌ها بیانگر بی‌توجهی والدین نسبت به آمال و آرزوهای عروسان ترکمن است؛ عروسانی که به میان ایل‌های غریبه می‌افتادند و مجبور بودند از ایل و خانواده خود جدا شوند و فرسخ‌ها از آن دور بیفتند. در آن زمان زندگی ترکمن‌ها به صورت کوچ‌نشینی بود و وقتی به ایلی غریبه دختر می‌دادند و فصل کوچ سر می‌رسید هر ایلی

لأله در فولکلور قوم ترکمن ❖ ۶۱

مسیر خویش را در پیش می‌گرفت و رو به سوی سرنوشتش حرکت می‌کرد و به همراه آن‌ها عروسان نیز می‌رفتند و از ایل خود دور و دورتر می‌شدند.

āq māyām qačip bāryār	آق مایام قاچیپ باریار
q sūyđin sāčip bāryārā	آق سویدین ساچیپ بار یار
sūydadon suyji jān ejam	سویده ده ن سویچی جان اجم
rāni āčip bāryārā	آرانی آچیپ بار یار

معنی:

شتر سفیدم گریزان است

در حالی که شیرهایش را بر زمین می‌ریزد

و مادر شیرین‌تر از شیر من

رفته رفته دور و دورتر می‌شود

خانواده داماد، عروس را تازه واردی می‌شناختند که باید بار سنگینی را از دوش خانواده بردارد و به تمام کارهای خانه برسد، از ظرف‌شویی گرفته تا قالیبافی. بدین ترتیب فرایند فرهنگ‌یابی و جامعه‌پذیری این دختران و نوجوانان به نحوی شکل می‌یافت که آنها نه تنها به عنوان جنس درجه دوم مورد قضاوت قرار می‌گرفتند بلکه افرادی غریبه نیز به حساب می‌آمدند.

yād ellar yāmān ellar	یاد ایل لریامان ایل لر
uoturādi urnumdā	اوتور دمدای اورنومدا
noytā qārā sāčimi	نوغتآ قارا ساچیمی
Dārāt mādi vāqtindā	داراتمادی واقتیندا

معنی:

ایل‌های سنگ دل

نگذاشتند لحظه‌ای آرام بنشینم

و موهای سیاهم را

به وقتش شانه‌ای زنم.

بنابر اظهارات محلی، عروسی که به غیر از ایل خود شوهر داده می‌شد با دلی لبریز

از غم به یاد ایل خود، در اندیشه فرو می‌رفت. غروب هنگام می‌نشست و در تنهایی درددل می‌کرد و غم خود را به صورت ترانه می‌سرود.

yāndāy bāši yānāndā	یانداغ باشی یاناندا
yāndi degin ejajān	یاندی دگین اجه جان
soyān bāši sālāndā	سوغان باشی سالاندا
Soldi digin ejajān	سولدی دیگین اجه جان

معنی:

وقتی سر علف‌ها زیر آفتاب می‌سوزد

بگو که من نیز می‌سوزم، مادر جان!

وقتی سر پیازها می‌پوسد

بگو که من نیز پوسیده‌ام، مادر جان!

dāyim dāyzām galanda	داییم دایزآم گلنده
yitdi digin ejajān	ییتدی دیگین اجه جان
boydāšlārim galanda	بویدا شلاریم گلنده
öldi digin ejajān	اولدی دیگین اجه جان

معنی:

وقتی دایی و خاله‌ام آمدند

بگو گم شده است مادر جان!

اگر هم سن و سالانم آمدند

بگو مرده است مادر جان

نگرش افراد خانواده به ویژه مادر نسبت به دوری دختر از خانواده در اندک زمانی تغییر می‌کند و مادر درمی‌یابد که دختر خود را از خود دور کرده است. بنابراین او نیز در فراق دختر خود دلتنگی می‌کند و این دلتنگی را با سرودن لأله‌ها همراه می‌سازد. مادر از یاد دختری که در آغوشش پرورده و اکنون به میان ایلی دیگر رفته، داغدار است و نمی‌تواند دخترش را فراموش کند و طاقت دوری او را ندارد و نمی‌تواند شب‌ها با

آرامش چشمانش را بر هم بگذارد.

āy doḡāndā bātmāyār	آی دوغاندا باتمایار
itlar ölip yātmāyār	ایت لر اولپ یاتمایار
sānçilāmiš ejasi	سانچی لامیش اجه سی
qızdān āyri yātmāyār	قیزدان آیری یاتمایار

معنی:

ماه رو به غروب نمی‌رود

زوزه سگ‌ها خاموش نمی‌شود

و مادرش از درد به خود می‌پیچد

در بسترش آرام می‌گیرد

به دلیل خصایص و قواعد خاص قومی برای نوعروس احتمال دیدن خواهران و برادران نیز به سختی وجود دارد. حتی امکان شرکت او در مراسم عروسی خواهران و برادرانش نیز به سادگی به دست نمی‌آید، همین نکته نیز عامل دیگری برای سرودن لأله‌هاست.

āy doḡupdir dedilar	آی دوغوپدیر دیدیلر
āy lānipdir dedilar	آیلانیپ دیر دیدیلر
maning körpa doḡānim	منینگ کورپه دوغانیم
öylanipdir dedilar	اویله نیپ دیر دیدیلر

معنی:

می‌گویند ماه طلوع کرده است

و در آسمان می‌چرخد

می‌گویند برادر کوچک من

عروسی کرده است

به این صورت لأله بیانگر درد هجران نوعروسان ترکمن است. اما گاه لأله بیانگر درد هجران میان عروس و داماد جوان نیز هست. بنا به رسوم قدیم، دختر جوان را پس از عروسی یکی دوسال در خانه پدری می‌گذاشتند و داماد حق نداشت نزد او بیاید و

احیاناً اگر داماد پنهانی به ایل او می‌آمد و مردم او را می‌دیدند او را به میان می‌گرفتند و می‌زدند. اما امروزه چنین مراسمی بیشتر در جنبه زیبایی‌شناختی و نه امری جدی قابل مشاهده است.

āy doγupdir xat yānāq	آی دوغوپدیر خط یاناق
čizilipdir čit yānāq	چیزیلیپدیر چیت یاناق
küp kalmakin kürākam	کوپ کلمه کین کوراکن

معنی:

ماه چون خطی طلوع کرده

و چون چیت چند خط به رویش افتاده

زیاد اینجا نیا ای داماد جوان

لأله حکایت تمام محدودیت‌ها و مشکلاتی است که برای نوع‌روسان پیش می‌آید؛ از کارهای سخت و دوری از پدر و مادر گرفته تا دوری از شوهر. لأله را باید انعکاس دنیای غم‌آلود نوع‌روسان دانست که در امر انتخاب در ازدواج به آمال و نظر آنها توجه نشده است. اینک به چند لأله عروسان نگاهی می‌اندازیم:

āq kečāning üstünda	آق کچانینگ اوستونده
jāyim qāldi ejajān	جاییم قالدی اجه جان
durli tāvāq ičında	دورلی تاواق ایچینده
pāyim qāldi ejajān	پاییم قالدی اجه جان

معنی:

روی نمود سفید خانه

جای من خالی مانده است مادر جان

و در بشقابهای رنگارنگ

سهم من به جا مانده، مادر جان

āy doγār harza – harza	آی دوغار هرزه – هرزه
har pudāyi bir yerda	هر پوداغی بیر یرده

لأله در فولکلور قوم ترکمن ❖ ۶۵

yāγši qiz yāmān yerda

یاغشی قیز یامان یرده

man yānāyin šul darda

من یاناین شول درده

معنی:

ماه چون خطی طلوع کرده

و هر شاخه ای از آن به سویی پیش رفته

دختری خوب به میان ایلی بد افتاده است

من در این درد می سوزم

āyāč bāšindā hozā

آغاج باشیندا حوزا

bilmāni düšdüm köza

بیلمانی دوشدوم پاکوزا؟

ātām – ānām bičara

اتم آنام بیچاره

mani berdi bir yādā

منی بردی بیر یادا

معنی:

قوزه ای بودم در سر گیاهی

نمی دانم چگونه در میان آتش افتادم

بیچاره پدر، مادرم

مرا به ایلی غریب داده اند

alimdan suyšām qāçdi

الیمده ن سویشام قاچدی

bilmadim nirāk dušdi

بیلمه دیم نیراک دوشدی

ālāgözli boydaš jān

آلاگوزلی بویداش جان

ārāmiz dāyā düši

آرامیزا داغ دوشدی

معنی:

شیشه ای از دستاتم افتاد

نمی دانم کجا فرود آمد.

ای دوست من که چشمانی زیبا داری



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امروز کوهها در میانمان قرار گرفته‌اند

suvā gitdim dūšmāga

سوا گیتدیم دوشماگه

ankildim su içmāga

انکیلدیم سو ایچماگه

evimizdan bir xat galdi

اویمیزده ن بیر خط گلدی

qānātīm yoq uçmāya

قاناتیم یوق اوچماغا

معنی:

به کنار چشمه رفتم

خم شدم تا آبی بخورم

نامه ای از خانه‌مان رسید

افسوس بال ندارم که پرواز کنم

suvā girdim boylādim

سوا گیردیم بویلا دیم

su içinda oynādım

سو ایچینده اوینا دیم

yād obāning içinda

یاد اوبا نینگ ایچینده

yāliq čakip āylādim

یالیق چکیپ آغلادیم

معنی:

خود را به رودخانه زدم

و به هر سو جنیدم

و در میان ایلی غریبه

پشت رو بندم، پنهانی گریستم

suvā girdim āt bilan

سوا گیردیم آت بیلن

boynum doli xat bilan

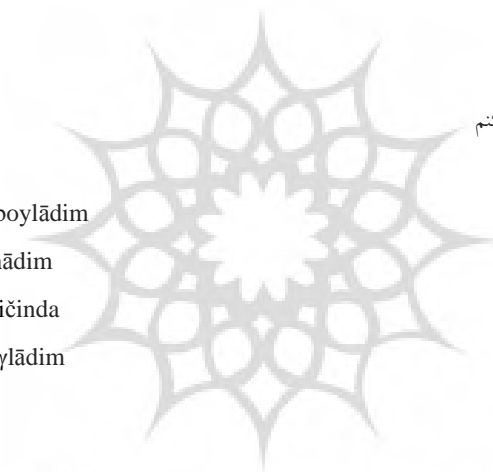
بوینوم دولی خط بیلن

yesar maning mānglāyim

یسر منینگ مانگلاییم

yāzilipdir yādbilan

یازیلپدیر یاد بیلن



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معنی:

با اسبی وارد آب شدم
با گردنی پر از خط و نوشته
روی پیشانی بخت برگشته‌ام
سرنوشت مرا با غریبه‌ای نوشته‌اند

süйда qāymāq garak

سویده قایماق گره ک

qāymāyini yāymāq garak

قیاماغنی یایماق گره ک

yādā qızın peraning

یادا قیزین پره نینگ

gözlerini oymāq garak

گوزلرنی اویماق گره ک

معنی:

شیر لازم است و سرشیر
و سرشیر را باید به هم زد
چشمان کسی را که دختر به غریبه می‌دهد
باید از حدقه بیرون کشید

češmāni lāli lādilār

چشمانی لالی لادیلار

suvın pāylār dilār

سووین پایلار دیلار

mang söymadik yārımı

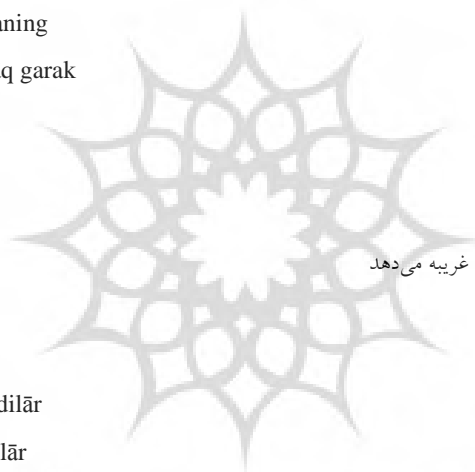
مینگ سویمه دیک یاریمی

bāšimā bāylā dilār

باشیما باغلا دیلار

معنی:

چشمه زلال را گل و لای
و آب‌هایش را تقسیم کردند
و کسی را که دوستش نداشتم
به من پیوند دادند



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمایی از مراسم عروسی در میان قوم ترکمن

لأله‌های دختران

دختران ترکمن همیشه در میان مشکلات و محدودیت‌های بسیار زندگی کرده‌اند. ترکمن‌ها از همان ابتدای تولد بین فرزند پسر و دختر اختلاف قایل می‌شدند. پسر، عزیز خانواده بود و دختر را از آن غریبه می‌دانستند. دختران ترکمن در میان تعصب‌های کوردلانه و محدودیت‌ها می‌سوختند و گاه درد دل خود را به صورت لأله می‌سرودند و به جای خلوتی می‌رفتند و دور هم می‌نشستند و بنا صدای حزن‌انگیزی شروع به لأله خوانی می‌کردند:

qizlār dāyā çiqāyling

gülüp oynāp bukiling

agsilmāna dardimiz

gāling lāla qāqāyling

qizlar dağa çiqayiling

gölöp oynap bukililing

agsilmaneh dardimiz

giling lāle qaqayiling

معنی:

دخترها! برویم بالای کوه

و شاد و خندان جست و خیز کنیم

تا درد هایمان فرو ریزد

بیایید لأله بخوانیم

دختران ترکمن در وابسته شدن به شریک زندگی خود از عواطف لازم برخوردارند. آنها چگونگی طی مسیر به سوی اهداف زندگی مشترک را تعقیب می‌کنند و شرح چگونگی انجام این امور را در لأله‌ها نمایان می‌سازند.

در نسل‌های گذشته قوم ترکمن، دختران و حتی پسران در انتخاب همسر مورد علاقه خود چندان آزاد نبودند. این محدودیت آزادی به دلیل خصلت‌ها و آیین رخ داده در فرایند فرهنگ‌یابی آنها تعریف شده بود. در نسل نوین هم، چنین محدودیت‌ها و سد راه‌هایی برای ازدواج وجود دارد که علاوه بر مسایل قومی خصوصیات شکل گرفته جامعه‌پذیری مانند سطح تحصیلات، نوع تحصیلات و تمایل به انتخاب نوع خاصی از زندگی اجتماعی در جامعه رو به مدرنیته ترکمن نیز می‌تواند سد راه‌های جدیدی باشد. چه در نسل قدیم و چه در نسل جدید، موانعی برای رسیدن به زوج دلخواه و زندگی مشترک وجود دارد که دختران عاملان این موانع را به انتقاد می‌کشند. به نمونه‌ای از این لأله‌ها توجه فرمایید:

suwā gitdīm mis bilan

سوا گیتدیم میس بیلن

Doldurdum havas bilan

دولدوردوم هوه س بیلن

yāri yārdān āyrāning

یاری یاردان آیرانینگ

gūni gečsin yās bilan

گونی گچسین یاس بیلن

معنی:

با ظرفی مسی کنار رود رفتم

ظرفم پر از حسرت شد

روزش در عزا و ماتم بگذرد

یار را از یار جدا می‌کند

دختر ترکمن در سامان‌دهی به زندگی شخصی به دنبال دستیابی به شرایطی غیر از شرایط عروسان نسل قبل از خود بوده است. عروسانی که در وابسته شدن به ایل غریبه

احساس تنهایی خاصی می‌کردند. شکواییه دختران دم بخت از گرفتار شدن به چنین وضعیتی در لاله‌ها نمایان است.

āqiz sāčing yāylāmā	آقیز ساجینگ یاغلاما
yādā güvaning bāylāmā	یادا گوونینگ باغلاما
yādir güvaningda kasa	یادیر گوونینگه ده کسه
öz ilim dip āylāmā	اوز ایلم دیپ آغلاما

معنی:

آهای دختر روغن به موهابت نمال

به غریبه‌ها دل میند

تا وقتی دلت را شکستند

به یاد ایل خود نگری

لاله‌های دختران نشان‌دهنده امیال و آرزوهای ویژه‌ای است؛ آنها به دنبال نیک‌بختی و سبک‌بالی خود هستند، در حالی که والدین پیشنهاد زندگی با اغنیا و ثروتمندان را به آنها می‌دهند. در واقع نسل‌های جدید از آگاهی‌های فرهنگی - اجتماعی تازه‌ای برخوردارند و همین تفاوت بین آنها و نسل گذشته فضایی را برای آنها به وجود می‌آورد که عواطف آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لاله‌های زیر نمونه‌هایی از این نوع می‌باشد:

su āqār kanār gidar	سو آقار کنار گیده ر
bu jānim yānār gidar	بوجانیم یانار گیده ر
dagmāng qizing güvanina	ده گمانگ قیزینگ گوونینه
mihmāndir qonār gidar	میهمان دیر قونار گیده ر

معنی:

از کناری آب جاری‌ست

و جان من در آتش می‌سوزد

دل دختر را به درد نیاورید

او مهمانی است که خواهد رفت

āq quşlār qārā quşlār	آق قوشلار قارا قوشلار
yārim dāşdir boydāşlār	ياريم داش دير بويداشلار
yārimdān sāvyāt galdi	ياريمدان ساوغات گلدی
güvanim xoşdir boydāşlār	گوونيم خوش دير بويداشلار

معنی:

ای پرنده‌های سفید و سیاه
ای دوستان، یار از من دور افتاده است
سوغاتی‌ای از او رسیده
و دل من به آن خوش است

su āqār çirfin bilan	سو آقار چیرفین بیلن
qiz qāydār qārçin bilan	قیز قایدار قارچین بیلن
dagmāng qizing gövūna	ده گمانگ قیزینگ گوونونه
oynāsın lāçin bilan	اویناسین لاجین بیلن

معنی:

آب با پیچ و تاب جاری‌ست
و دختر قارچین^۱ به دست می‌آید
دل دختر را نیازارید
بگذارید با باز بازی کند

suvā gitdim mis bilan	سواا گتیدیم میس بیلن
aglatdim havas bilan	اگلتدیم هوه س بیلن
yāring gidan yoluni	یارینگ گیده ن یولونی

۱. نوعی بافتنی چون قالیچه است.

gūzadim talvās bilan

گوزه دیم تلواس بیلن

معنی:

با ظرفی مسی کنار رود رفته

و آرزو بر دل نشستم

و راهی را که یار رفته بود

دیوانه‌وار نگرستم

sāri qāvin bišipdir

ساری قاوین بیشپ دیر

sāpāyīndān dūšūpdir

سپاغیندان دوشوپ دیر

maning jurām anagül

منینگ جورام - انه گول -

yād ellara dūšūpdir

یاد ایل لره دوشوپ دیر

معنی:

خرزبه زرد رسیده است

و از بوته اش جداشده

دوست من - انه گل -

میان ایل غریبه افتاده است.

sahar qiyirān tāviq

سحر قیغیران تاویق

sahar qiyirmā tāviq

سحر قیغیر ما تاویق

man yārā nāma dedim

من یارا نامه دیدیم

yār yuzi manda sāviq

یار یوزی منده ساویق

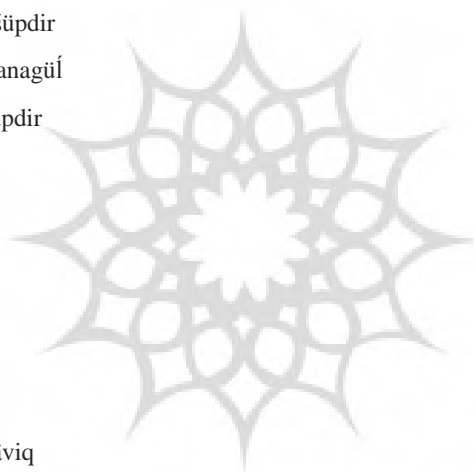
معنی:

ای مرغی که هر سحر فریاد می‌کنی

دیگر فریاد نکن

آخر من به یار چه گفتم

که دلش از من سرد شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

qāpimizdān bāqmā oylān

göz qāšingī qāqmā oylān

bizi sāngā bormazlar

iç bāyringī yāqmā oylān

قاپی میزدان باقما اوغلان

گوز قاشینگی قاقما اوغلان

بیزی سانگا برمزله

ایچ باغرینگی یاقما اوغلان

معنی:

از درگاهمان نگاه نکن، ای پسر!

به سوی ما چشمک نزن، ای پسر!

ما را به تو نخواهند داد

بیهوده دلت را خون نکن، ای پسر!

qarāčā āting nāli man

dasta yūpak nāli man

didām māngā quvānmā

kasa kining māli man

قرا چا آتینگ نالی من

دسته یوپک تاری من

دید ام مانگا قووانما

کسه کینینگ مالی من

معنی:

من نعل اسب سیاهی هستم

من تار دسته ای ابریشم

برادرم! به وجود من نبال!

من از آن دیگران هستم

sāndiqim – sāndigim

sāndiqā dāyāndiqim

yād ellāring içindā

hāyip maning yāndiqim

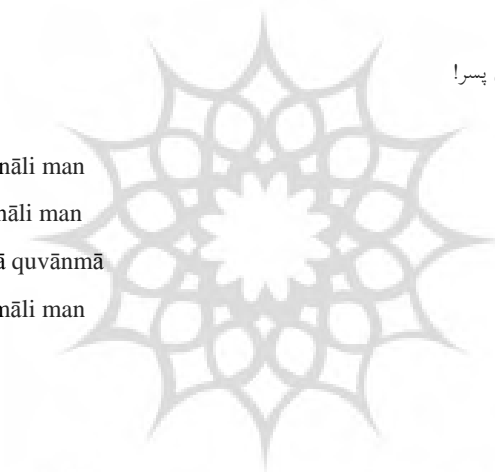
صانديقيم - صانديقيم

صانديقا دايانديقيم

ياداييل لارينگ ايچيندا

هايپ منينگ يانديقيم

معنی:



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ای صندوق! ای جامه دان من!

ای که تکیه‌گاه و راز دار من هستی!

آگاه باش که من در میان

قومی بیگانه، غریبانه می‌سوزم

man galyānčām, sil buljāq

buqčā bāyim, nil buljāq

doldā duran āq qušāq

sāyrāp duran dil buljāq

من گلیان چام، سیل بولجاق

بوچقا باغیم، نیل بولجاق

دولدا دورن آق قوشاق

ثایراپ دورن دیل بولجاق

معنی:

اشک‌هایم سیلی خواهد شد

چون دریای نیل، بقچه ام را در خود غرق خواهد ساخت

آن گاه شال سفید کمرم

زبان گویای رنج‌های من خواهد بود

dardim davāsoz buldi

öyim safāsoz buldi

man olāsām kim āylār?

gorimi qāzān āylār

دردیم دوا سز بولدی

اوییم صفا سز بولدی

من اولاثام کیم آغلار؟

- گوریمی قازان آغلار

معنی:

درد مرا بی‌درمان دانست

و دلم را بی‌صفا

در مرگ من چه کسی گریه خواهد کرد؟

- فقط گورکن

āyāč bāšindā durdim

آغاچ باشیندا دوردیم



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

لأله در فولکلور قوم ترکمن ❖ ۷۵

dibinā sulār berdim

دیبینا سولار بردیم

sāmsāriq yāring alindān

سام ساریق یا رینگ الیندان

ham āylādim ham güldim

هم آغیلادیم هم گولدیم

معنی:

روی درختی رفتم

آن را آبیاری کردم

سرانجام از دست شوهری نادان

گاه گریستم و گاه خندیدم

āq quş bulip uçsādım

آق قوش بولیب اوچنادیم

ela yolım āçsādım

ایله یولیم آچسادیم

öz eliming suvindān

اوزایلمینگ سوویندان

yātip yātip içsādım

یاتیب یا تیپ ایچسادیم

معنی:

کاش همچون پرنده‌ای سبک بال

قدرت پرواز داشتم و راهی به سوی ایل خود می‌یافتم

آن گاه جان تشنه‌ام را از دیدار

مردم ایل، سیراب می‌کردم.

ellārmizdā dāymidir!

ایل لارمزدا داغ میدیر!

üsti kosa bāymidir?

اوستی کنه باغ میدیر؟

üçip bāryān āq quşlār

اوچیپ باریان آق قوشلار؟

ilim – gunum sāymidir?

ایلم، گوینم تاغ میدیر؟

معنی:

آیا ایل من در میان کوه‌های بلند مسکن گرفته است

یا در مکانی درختزار؟

ای پرندگان سپید بال بگویند
حال و روزگار ایل من چگونه است؟

āsmāndāki nar bulut
sāngā āšiq yer bulut
asmāndā kāring nāma?
yera dukyāng dar bulut!

آسماندانکی نر بولوت
سانگا عاشیق یر، بولوت!
اسمانداکارینگ نامه؟
یره دوکیانگ در بولوت!

معنی:

ای ابر آسمانی!
زمین عاشق توست
چرا بر چهره‌ات
عرق نشسته است؟

obā čiqāsim galyār
desa bulāsim galyār
desa boyli jān qizlār
sizi gorāsim galyār

اوبا چیقاسیم گلیار
دسه بولاسیم گلیار
دسه بویلی جان قیزلار
سیزی گوراسیم گلیار

معنی:

آرزومندم که به روستای خود بروم
در جمع دوستان خود باشم
ای دوستان دوران کودکی
آرزو دارم که شما را ببینم

dāylāring bāši yānār
kolānip dāši yānār
kim elindān āyri lsā

داغلارینگ باشی یانار
کولانیپ داشی یانار
کیم ایلیندان آیریلسا



روانشناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

yüragingiň başı yānār

یوره گنیڭ باشی یانار

معنی:

روشنایی آفتاب، بلندای کوه‌ها

و دامنه‌های آن را روشن می‌کند

اما کسی که از ایل خود جدا افتاده است

سردلش به درد آید

āyāč başı burilār

آغاچ باشی بوریلار

dibindā sür darilār

دیبیندا سور دریلار

kim elindān āyilsā

کیم ایلیندان آیرلسا

oning bouni burilār

اونینگ بونی بوریلار

معنی:

سرشاخه‌های درختان، سر به سوی زمین خم کرده‌اند

و تماشاگر جوی روان در پای خود هستند

هرکس که از ایل خود جدا شود

گردنش خم می‌شود.

لأله‌ها اکثراً به صورت دو بیتی سروده و اجرا می‌شوند. در بین لأله‌های جمع‌آوری شده یک مورد طولانی‌تر که در واقع از اتصال لأله‌های دوبیتی به وجود آمده است دیده می‌شود که دارای همان مفاهیم و جهت‌گیری‌های لأله‌های دوبیتی است به این نمونه توجه کنید:

چومیر گیدر اجه جان

چونقیر قویا داش آتسانگ

čömir gidar eja jān

čonqir quyā dāš ātsāng

یتر گیدر اجه جان

یاد ایسل لره قیز برسانگ

yitar gidar eja jān

yād ellara qiz bersāng

اوتررد مادی اورنمدا

یاد ایلر یامان ایسل لر

otermādi ūrimdā	yād ellar yāmān ellar
اوردردمادی ودقتتندا	نوخته قاوا ساچمی
ördirmadi vaqtindā	nüxta qāvā sāčimi
دولدان آسقن اجه جان	ایگنان بیلان یونگسامی
doldān āsqan eja jān	ignān bilān yungsāmi
اولدی دیگین اجه جان	بویداش لازیم گلندا
öldi digin eja jān	boydāš lāzīm galandā
جایم قالدی اجه جان	آق کچانینگ اوستندا
jāyim qāldi eja jān	āq kečaning ūstindā
پایم قالدی اجه جان	دورلی تابقنگ ایچندا
pāyim qāldi eja jān	durli tābqing ičindā
اودین سوندیر کولین چک	چلم چکا چلم چک
odin söndir külin čak	čalam čaka čalam čak
ینگ سه سیندان دلن چک	یساد ایزین برانینگ
yengsasindān dalin čak	yādā qizin berāning

ترجمه:

اگر به چاه عمیقی سنگ بیندازی
گم می شود؛ مادر جان و اگر به جای
دوری دختر بدهی گم می شود؛ مادر
جان. غربت جای بدی است و مرا
نگذاشتند در جای خود بنشینم و
موهای سیاهم را بیافم، نخ و سوزن
مرا از گوشه آلاچیقمان آویزان کن
(ترکمن ها وسایل مرده را از گوشه
خانه آویزان لمبی کنند) و وقتی



دختر ترکمن

همسالانم آمدند بگو من مرده‌ام و اگر قوم و خویشانم آمدند بگو من گم شده‌ام. بر روی نمد سفید خانه، جای پایم مانده، و سهم غذایی من هنوز حتماً در بشقاب مانده. ای کسی که بی خیال قلبان می‌کشی، آتشش را خاموش کن، خاکسترش را بکش (آتش دل من کافی است) هرکسی که به جای دوری دختر می‌دهد، باید او را دمر خواباند و سرش را برید.^۱

تفسیر یافته‌ها:

لأله، خاص‌گرایی نسل نو حوزه دیگری از فرهنگ شفاهی ترکمن که مورد مطالعه ما قرار گرفته، بررسی درون کاوانه لأله‌های ترکمنی است. لأله ترکمنی ترانه‌ای است که از زبان دختران و زنان ترکمن جاری می‌شود و مجاری است که خصوصیات فرهنگی اندیشه و حیات جنس مونث را در جامعه زنان ترکمن به نمایش می‌گذارد. در این لأله‌ها ملاحظه می‌شود که دختران و زنان به طرح نکاتی درباره زندگی خود پرداخته‌اند که این نکات سطح ویژه‌ای از نظام اجتماعی و سازمان فرهنگی ترکمن‌ها را در عرصه زندگی اجتماعی زنان به ما نشان می‌دهد. گفتمانی که باز هم در این حوزه با دل‌نگرانی و شکایت و انتقاد مطرح شده و بیان‌کننده نکات مهمی درباره زندگی فرهنگی - اجتماعی است. همان‌طور که گفته شد، لأله‌ها از فغان‌های جانسوز دخترانی حکایت می‌کنند که با وجود کمی سن و سال، قربانی تصمیم‌گیری نا بجای خانواده‌های خود شده و با رضایت تلویحی به آن تصمیم‌گیری‌ها به گذران مابقی عمر خود پرداخته‌اند. لأله‌ها به صورت گسترده‌ای بیان‌کننده ناله‌های دختران ساده و معصوم ترکمنی است که دست آنها در امر انتخاب همسر آینده‌شان چندان باز نبوده است. همین انگاره، برای دختران

۱. همچنین برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید.

الف) نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها، (ب) مقدمه ای بر ادبیات عامیانه ترکمن‌ها، (ج) نغمه‌های زنان ترکمن، (د) یاپراق، (ه) سیری در ادبیات شفاهی ترکمن، مراحل همسرگزینی در بین ترکمن‌ها

ترکمن زمینه خوبی شده تا گفتمان انتقادی خود را نسبت به عناصر مزاحم در سنت ارائه دهند به ویژه هر چه آگاهی اجتماعی دختران و زنان جوان بیشتر می‌شود، ابعاد گفتمان انتقادی را بیشتر گزارش می‌دهند و در تبیین آن با تلاش بیشتری حاضر می‌شوند.

برای این گفتمان انتقادی که آنها در مقابل چنین یاس و ناامیدی تحمیلی‌ای برای خود سامان داده‌اند، آنها ابزار کار خود را از ادبیات شفاهی می‌گیرند و قضاوت خود را بر مبنای ماهیت وجودی این نوع ادبیات شفاهی ارائه می‌دهند. کار جالب دختران و زنان جوان ترکمن در زندگی روزمره نشان داد که آنها عضویت در قومیت ترکمن را هنوز دوست داشتند، محترم و شاید مقدس به شمار می‌آورند. آنها به یک چیز توجه دارند: قالب زیبای سنتی را باید نگه داشت ولی محتوای درونی را بر مبنای خصوصیات زمان و مکان اجتماعی باید بار دیگر نظم بخشید. دختران ترکمن آنچه را در زمان اکنون برای خود لازم می‌دانند و به کار می‌گیرند هرگز به لحاظ محتوایی و درونی شبیه گذشته نمی‌دانند و تکرار طبیعت را نیز برای نسل بعدی، حتمی و لایتغیر در نظر نمی‌گیرند. دختران ترکمن در این مورد عبارت بسیار جالبی دارند؛ آنها معتقدند باید ترکمن بود اما متناسب با خصوصیات زمانی و مکانی خاص و همین خاص‌گرایی، نسل نو را دعوت به ایجاد نوآوری‌هایی در جامعه کرده است که جامعه را به سوی مدرن شدن سوق می‌دهد. بنابراین، گفتمان زیبایی‌شناختی نسل گذشته در عین حالی که به عنوان بخشی از میراث ادبی و اجتماعی حفظ شده است اما در نسل جدید محتوای درونی آن ضمن حفظ قالب سنتی با اندیشه‌های روشنگری و روشنفکری این نسل در آمیخته و تغییر یافته است.

گفتمان معطوف به مدرنیت در این لحظه از حیات اجتماعی ترکمن، نه تنها مربوط به اموری است که می‌تواند در جامعه جدید ترکمن گفته و درباره آن فکر شود بلکه درباره این نیز هست که چه کسی در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند قوام بخش آن باشد و در این حالت، گفتمان جدید در موضع‌گیری‌های دختران و زنان جوان نشان‌دهنده معانی و ارتباطات جدید آنها با پدیده‌های نظام فرهنگی اجتماعی ترکمنی است.

اکنون به نمونه‌ای از این لاله‌ها توجه کنید:

bāšim čidayip, orāšiyim ninisāyim, باشم چدییپ، اوراشییم نینیجایم، منه بیر خرده
mani bir xirda oqlāna verbā ʔimatim اوغلانه، وربا قیمتیم بیلمدله،
bilmdila

معنی:

سرم جوانه زده است، با اسباب و اساس خود چه کنم،
مرا به پسری کوچک داده‌اند، ارزشم را پاس نداشتند

این‌گونه دریافت می‌شود که نوعروسان در لاله‌ها خاطرات خود را بیان می‌کنند و بر
مبنای چنین بیانی به آنها می‌اندیشند و مشی زندگی را بر مبنای تجربیات به دست‌آمده
عهد جدید سامان می‌دهند. زنان ترکمن، در یادآوری برادران خود می‌گویند:

galseydin ey büyük qārdāšim, mana rah گلسیدین ای بیوک قارداشم، منه ره ب ره کلر، آخان
ba rah güllar āxān sudān manimčun bāl سودان منیمو چون بال گتور و گون گورمیش الکن
gatür va gün görmamiš ölkadan atayi اتیله، دوله گولونن منم یانم گل
dolu gülnan manim yānima gal

معنی:

ای برادر بزرگم اگر آمدی، برای من گل‌های رنگارنگ،
و از آب روان برای من غسل بیاور و از سرزمینی که
خورشید ندیده باشد، با دامنی پراز گل پیش من بیا

در این لاله ملاحظه می‌کنیم که دختر از برادر بزرگتر خود چیزهایی را مناسب میل
خود طلب می‌کند. این دختر همان عروسی است که بدون اختیارش او را به شوهر
داده‌اند. او در مقایسه هست‌ها و بایدهای زندگی خود تصمیم می‌گیرد که چیزهایی را
داشته باشد که آرام بخش او باشند و در مثالی زیبا و ادیبانه در قالب توصیفات ذکر
شده پیشین، این خواسته و طراوت اندیشه خود را به او نشان می‌دهد. بنابراین،
دگرگونی در قواعد اجتماعی – فرهنگی حوزه عمومی در قالب چنین گفته‌هایی به

وضوح دیده می‌شود. در لاله‌ای دیگر می‌خوانیم:

günbagün böyürüm ra gāhdān düdey گون به گون بیورم، وگاهدان دودی المدشادق الردم، و
alimda šāddiq elardim, va gāhdān özga گاهدان اوزگه النین یاننده، اوزچرقدم گوتوروب باشم
elinin yāninda, öz çarqadim götûrûb, اورتوب، و گیز لیندن چوخله اوخشوردوم
bāšim örtüb va gizlindan çoxla
oxşurdum.

معنی:

روز به روز بزرگ و بزرگ تر شدم، گاهی نی به دست
شادی کردم و گاهی در کنار ایل بیگانه روسری خود
بر سر گرفتم و زار زار پنهانی گریستم

در این لاله نیز، بار دیگر به خواسته‌های نفسانی و عاطفی سر کوب شده عروسی
جوان به نمایندگی از دیگر عروسان بر می‌خوریم. او سیر قهقرایی شادی آفرینی خود را
در اینجا ذکر می‌کند و نشان می‌دهد که دختر بچه‌ای به آن طراوت و شادابی وقتی به
خانه بخت می‌رود با کوچک‌ترین بی‌توجهی، خنده‌هایش به سوی گریه سر می‌سپارد.
گاهی لاله‌ها عاشقانه هستند و این لاله‌های عاشقانه گاهی محتوا و روش‌های
عشق‌ورزی را نیز نمایان می‌کنند و گاهی این لاله‌ها موانع موجود بر سر راه پر طراوت
عاشقی را به تصویر می‌کشند. به نمونه‌ای از این لاله‌ها توجه کنید:

istirdim maka piddāq dûzaldam, dûzalda «ایستیردیم مکه پاداق دوزلدە بیلمدم، ای دله
bilmadim, ey dali çāy, ey atrak mani öz چای، ای اترک منه اوز ایسته لم چادر (پتر)»
istahlim çārdıra yetir.

معنی:

می‌خواستم ذرت بو داده درست کنم اما نتوانستم. ای
رود دیوانه، ای اترک مرا به یارم برسان.

یا در لأله دیگری می‌بینیم که دختر یا زن جوان می‌گوید:

istahlīm hārdadi, istahlīm hārdadi, ایسته لم هارده، ایسته لم هارده، من سننیم، ایسته
man saninam istahlīm, dūnyāda čoxlu لم، دنیاده چوخله جوان وارده ای ایسته لم، اما منم
javān vardi ey istahlīm, āmā manim اوریم سنن یاننده
ürayim sanin yānindadi

معنی:

یارم کجاست، یارم کجاست. من با تو هستم ای یار.
در جهان جوان بسیار است ای یار اما دل من با
توست.

بدین ترتیب ترکیباتی از فکر و احساس عاشقانه برای زنان و دختران جوان مورد نظر است که آنها با به کارگیری ابزار ادبیات شفاهی به ابلاغ آن می‌پردازند اما محتوا را آن‌گونه که می‌خواهند تغییر می‌دهند.

در نوع دیگری از لأله‌ها به نوعی لأله‌های حماسی بر می‌خوریم که بیشتر آنها با حسی مذهبی و ملی برای تحریک احساسات مردان ایل خود از سوی زنان خوانده می‌شوند. علت ایجاد چنین احساسات حماسی از سوی زنان، وابستگی احساسی و عاطفی آنان با مرد قوم خود است و ترکیبی از عناصر انسانی، غیر انسانی و خیالی، سازنده چنین حماسه‌هایی است. به نمونه‌ای از این لأله‌های حماسی شورآفرین توجه کنید:

ey manim qārdāšim meydān dövüşünnan ای منم فارداشم میدان دووشونن پالتار نه گئی گینن،
pāltārini geyginan va qazab aliyin و غضب الیین دوشمنین اوستونه چال چاپر ایله، اونون
düşmanin üstüna čāl čapar eyla, onu آله نشانه توت
āllina nišāna tüt.

معنی:

ای برادرم لباس رزم بپوش و بر دشمن غاصب بتاز و
پیشانی او را نشانه گیر.

این گونه لاله‌ها به نحوی سامان داده می‌شود که بیشترین حد وجد و مردانگی را در مردان ترکمن ایجاد می‌کند. آن چیزی که در نسل گذشته برای ایستادن در مقابل دشمنان به کار می‌رفت، اکنون وضعیت دیگری به خود گرفته و برای نهادینه کردن دستورات جامعه‌پذیری و فرهنگ‌یابی در رویارویی با مسائل و مشکلات زندگی و همچنین در جهت پیدا کردن راه حل‌های مناسب برای آنهاست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با عنصری دیگر از عناصر فولکلور ترکمن آشنا شدیم. در این پژوهش بر ما روشن می‌شود که فولکلور ترکمن و در اینجا لاله‌های ترکمنی از خصوصیت زیبایی‌شناختی برخوردار است و ساختار کهن ادبی آن هنوز هم در جامعه ترکمنی استفاده می‌شود. این پدیده تاریخی هنوز در زندگی ترکمن‌ها حاضر است و نسل قدیمی و امروزمین بدان وابسته‌اند و از آن لذت می‌برند. در این پژوهش بر ما معلوم شد که عناصر تاریخی نقش بسیار مهمی در هویت بخشی به ترکمن‌های غیور دارد. بدین ترتیب به روشنی پیداست ترکمن‌ها تنها بهره‌زیبایی شناختی را برای خود لازم و کافی نمی‌دانند بلکه از آن برای نمایش دادن تفاوت‌های خود با دیگری بهره می‌برند. بنابراین می‌توان گفت این بخش از فولکلور نیز در قوم ترکمن هنوز زنده و کارکردی است.

فهرست منابع

- اعظمی راد، گنبد دردی (۱۳۸۲)، نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۱)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران: اسپرک.
- بدخشان، قربان صحت. (۱۳۷۹)، سیری در ادبیات شفاهی ترکمن، تهران: ابراهیم بدخشان.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های اجتماعی، تهران: سمت
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۱، تهران: موسسه تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی
- گیدنز - آنتونی، (۱۳۷۹)، جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب - یوسف، تهران: علم و ادب.
- Brunvand. Jan (1970), **What is Folk**, New York, American Voice Press.
- Denzin. Norman. K, (1997), **Interpretive Ethnography**, London, Sage Publication Ltm.
- Edles. Laura (2002), **Cultural Sociology in Practice**, Masschusetts, Blackwell.
- Finnegan. Ruth (1992), **Oral Traditions and Verbal Arts**, London, Routledge.
- Fox, Robin (1989), **kinship and Marriage: An Anthropological Prespective**, Cambridge University Press.